

معنای توسعه شهری در میان مدیران و سیاست‌گذاران شهر (مطالعه موردی: کلان شهر رشت)*

میلاذ پوررجبی^۱، علی اکبر مجدی^۲، غلامرضا حسنی درمیان^۳، احمدرضا اصغرپور ماسوله^۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

DOI:10.30495/JISDS.2022.68308.11757

چکیده

شهر به مثابه یک تشکیلات بسیار پیچیده و متغیر، دارای فضایی مبهم و بی‌ثبات است. این وضعیت از طریق مدیریت شهری به شکل مستمر کنترل و پایش می‌شود تا پیرامون شهرها را در یک وضعیت متعادل و پایداری قرار دهد، در این میان برداشت‌های شخصی مدیران و سیاست‌گذاران شهری در سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات کلان شهری نقش مؤثری را ایفا می‌کند این پژوهش درصدد است تا با روش پدیدارشناختی از تجارب زیسته مسئولین شهری در جهت فهم معنای توسعه شهر به عنوان شاخصی برای ارزیابی و نظارت بر عملکرد وضعیت شهری ارائه دهد، بدین منظور فرایند مصاحبه عمیق تا اشیاع نظری به ۲۶ نفر از مدیران و سیاست‌گذاران رسید که از طریق نرم‌افزار MAXQDA 2020 تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مدیران و سیاست‌گذاران شهری فهم معنای توسعه در فضاهای پیرامونی شهر را به مؤلفه‌های دولت‌محوری، پایدار محوری، جمع محوری و تعهد محوری گره می‌زنند؛ از دیدگاه مدیران و سیاست‌گذاران توجه به مناطق حاشیه شهر از طریق مؤلفه‌های اشاره‌شده منجر به از بین رفتن حاشیه‌سازی در مناطق پیرامونی شهر خواهد شد. همچنین چرخش مؤلفه‌های میانی از طریق یک بسط تئوریک ساختار فهم تک ساحتی از پیرامون بر پایه این پژوهش شناسایی و تنظیم شد. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود مدیریت مشارکت‌گرا برای محیط‌های سازمانی و طرح‌های شهری نوسازی محله محور مبتنی بر نقش شهروندمداری در دستور کار قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حاشیه‌ی شهر، مدیران و سیاست‌گذاران، پدیدارشناسی، رشت

* این مقاله حاصل پایان‌نامه و طرح تحقیقاتی با عنوان بر ساخت معنای توسعه در مناطق حاشیه‌نشین مبتنی بر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در مقطع (دکتر) مبتنی بر مصوب دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۹۹ است که با حمایت مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور اجرا شده است.
^۱ پژوهشگر مرکز تحقیقات و سیاست علمی کشور، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

(Email: Milad.porrajabi@gmail.com)

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول مقاله).

(Email: majdi@um.ac.ir)

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

(Email: gh-hassani@um.ac.ir)

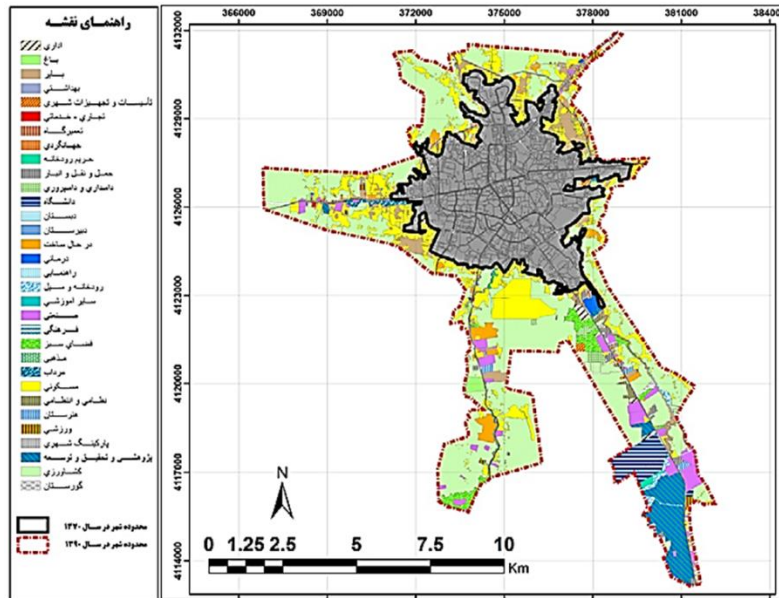
^۴ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

(Email: asgharpour@um.ac.ir)

مقدمه

انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های فناورانه ناشی از آن به تغییرات جمعیتی سرعت بخشید و جمعیت را افزایش داد. این افزایش جمعیت، بیشتر متوجه مراکز شهری شد و موجب برهم خوردن تعادل‌های اجتماعی و محیطی گردید. بر اساس گزارش صندوق سازمان ملل متحد پیش‌بینی می‌شود جمعیت شهرنشین جهان تا سال ۲۰۳۰ میلادی به حدود پنج میلیارد نفر افزایش یابد (Ghosh, Kumar, & Kumari, 2022). توسعه شهرنشینی تأثیرات قابل توجهی بر بافت‌های قدیمی و فرسوده برجای گذاشته است و اسکان جمعیت زیادی که غالباً مهاجران می‌باشند تخریب و فرسودگی بافت‌های مذکور را به همراه دارد (Hadas & Nahum, 2016; Lou, Wang, Lu, Xiao, & Xiao, 2020). رشد حومه شهرها و به متعاقب آن مشکلات در داخل شهرها در طی نیمه دوم قرن بیستم میلادی، به ویژه در طی دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، سبب بروز تغییرات مهمی در ساختار جغرافیایی و دگرگونی‌هایی عظیم در روابط اجتماعی شد (Marleau Donais, Abi-Zeid, Waygood, & Lavoie, 2019). وجود مشکلاتی مانند ضعف منابع درآمدی، کمبود وسایل حمل‌ونقل عمومی، سنگینی ترافیک و تراکم خودروها و اتلاف وقت شهرنشینان در ترددهای شهری، کمبود فرصت‌ها و موقعیت‌های شغلی مناسب، کمبود مراکز درمانی، گرانی و کمبود مسکن مناسب، مشکلات و آسیب‌های ناشی از نابرابری‌های اجتماعی، تغذیه نامناسب، آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی محیط، کمبود فضای سبز، کمبود امکانات فرهنگی، ورزشی و فراغتی، جرائم، ناامنی و آسیب‌های اجتماعی و زندگی شهری را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است و بر لزوم توجه به توسعه حاشیه‌ی بافت‌های فرسوده بیش‌ازپیش افزوده است؛ بنابراین در سال‌های اخیر، مطالعه توسعه حاشیه‌ی شهری در نواحی شهری مورد توجه گسترده بوده است (Hadas & Nahum, 2016). محققان رشته‌های گوناگونی چون شهرسازی، جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی، علوم سیاسی، بازاریابی و مدیریت، در این عرصه مشارکت داشته‌اند؛ اما این مطالعات از جنبه‌های متعددی، مانند مقیاس مطالعه، قلمروهای مورد استفاده و روش‌های سنجش کیفیت زندگی، متفاوت هستند (Lou et al., 2020). به این ترتیب که روش‌های گوناگونی برای مطالعه در نواحی شهری به کار گرفته شده است. توسعه حاشیه‌ی در بافت‌های به عنوان مفهومی برای نشان دادن میزان رضایت فرد از زندگی و به عبارتی معیاری برای تعیین رضایت و عدم رضایت افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف زندگی است (Puustinen, Pennanen, Falkenbach, & Viitanen, 2018). این ابعاد می‌تواند زمینه‌های تغذیه‌ای، آموزشی، بهداشت، امنیت و اوقات فراغت را شامل شود، از طرفی، دیگر امروزه در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه مباحث کیفیت زندگی به عنوان یک اصل اساسی پیوسته مورد نظر برنامه ریزان و مدیران امر توسعه است (Davidson & Ryerson, 2018). در بحث‌های مربوط به کیفیت زندگی، تنها زیستن مهم نیست، بلکه کیفیت آن دارای اهمیت است. در ادبیات اخیر دنیا، واژه توسعه حاشیه‌ی شهری به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی (Zhao, 2016)، نوسازی (Yang, Dong, & Yi, 2022)، بازسازی (Sahoo, Gupta, & Srivastava, 2021)، توانمندسازی (Torkayesh & Torkayesh, 2021) و روان بخشی شهری (Zambon & Salvati, 2019) را در برمی گیرد (Sogabe & Maki, 2022)، به کار می‌رود. توسعه حاشیه‌ی شهری به مفهوم احیا، تجدید حیات و نوزایی شهری و به عبارتی دوباره زنده شدن شهر است.

از سوی دیگر طیف گسترده مشکلات کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست‌محیطی رنج می‌برند (Bonney & He, 2019) و از سوی دیگر مهم‌ترین پتانسیل شهرها برای استفاده از زمین جهت اسکان جمعیت، تأمین فضاهای باز خدماتی و بهبود محیط‌زیست نیز محسوب می‌شوند (Ghosh et al., 2022). عدم توجه به این پهنه‌ها، شهرها را به توده‌ای میان تهی تبدیل می‌نماید که ناهنجاری‌های اجتماعی و کالبدی تخریب‌کننده‌ای را برای شهر به دنبال دارد (Hadas & Nahum, 2016). در حالی که هم از دیدگاه توسعه پایدار و هم از دیدگاه حفظ هویت و سرزندگی شهری، اکثر این مراکز به دلیل مرکزیت جغرافیایی تاریخی و نمادین خود، پتانسیل عرصه‌های عمومی تجمع فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی، حفظ و تداوم خاطرات جمعی و بستر حیات مدنی و هویت اجتماعی شهروندان را به قوی‌ترین شکل ممکن دارند (Matamanda & Chinozovina, 2020).

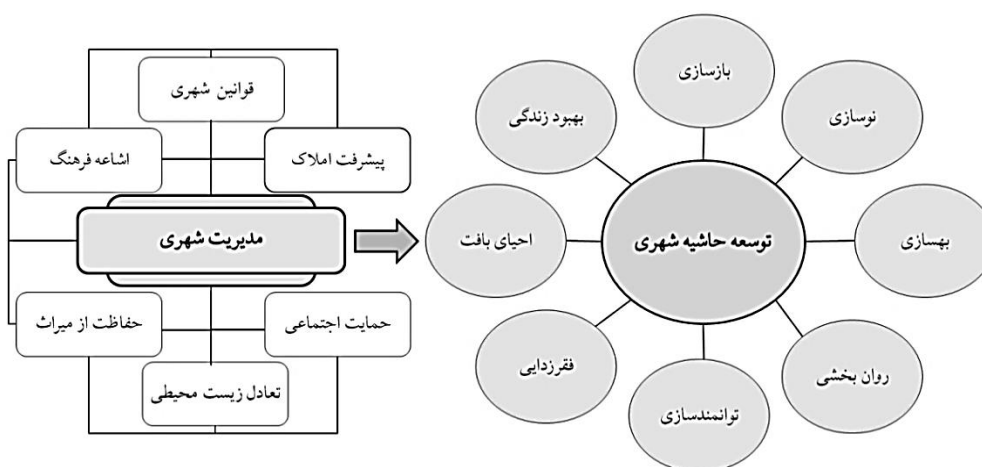


توجه به بافت‌های فرسوده و قدیمی و رفع ناپایداری آنها، به موضوعی جدی و محوری تبدیل شده، به گونه‌ای که سازمان‌های ذی‌ربط را به تکاپوی ساماندهی و توسعه حاشیه‌ی بافت‌های مذکور سوق داده و لزوم مداخله در این بافت‌ها را در دوره‌های مختلف زمانی مطرح نموده است (Janke, 2021). رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باز زنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به توسعه حاشیه‌ی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، از حوزه توجه صرف به کالبد به عرصه تأکید بر ملاحظه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز گذری داشته است (Michelangeli & Türk, 2021).

مبانی نظری پژوهش

توسعه شهری فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی منجر می‌گردد (Lou et al., 2020). در این اقدام، فضای شهری جدیدی حادث می‌شود که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذاردند (Puustinen et al., 2018). به عبارت دیگر توسعه حاشیه‌ی شهری نگرش و اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل مشکلات شهری منطقه هدف عملیات است که در نهایت به یک پیشرفت پایدار اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و محیطی خواهد انجامید (Rojo-Mendoza, Salinas-Silva, & Alvarado-Peterson, 2022). در گذشته، مناطق شهری نابسامان و به‌طور خاص محلات میانی پیرامون مرکز شهر را به‌عنوان مانعی بزرگ بر سر توفیقات کلان منطقه‌ای و حتی ملی معرفی کردند و پیشنهاد در نظر نگرفتن آنها را مطرح کردند (Sogabe & Maki, 2022). واضح است که واکنش این چنینی، در بهترین حالت ناشی از اهمال تلقی خواهد شد. امروزه رویکردهای مختلف و متفاوتی برای بهبود و ساماندهی به وضعیت شهرها و محله‌ها در دستور کار قرار گرفته است (دهه ۱۹۵۰ رویکرد بازسازی، دهه ۱۹۶۰ رویکرد باز زنده سازی، دهه ۱۹۷۰ رویکرد نوسازی، دهه ۱۹۸۰ رویکرد تجدید حیات، دهه ۱۹۹۰ رویکرد توسعه حاشیه‌ی و دهه ۲۰۰۰ رویکرد نوزایی شهری) (Kos, Bujoczek, & Bujoczek, 2021). تا دهه ۱۹۸۰ اکثر این رویکردها بر جنبه کالبدی نوسازی بافت‌های هدف تأکید کرده و دیگر جنبه‌های نوسازی و بهسازی بافت فرسوده نادیده گرفته شد (Zhao, 2016). در دهه ۱۹۹۰ سیاست جدیدی تحت عنوان «چالش شهرها» نوعی رویکرد مداخله‌ای که با نگاه به گذشته و بدون پاک‌سازی هویت‌های تاریخی مختلف، به خلق هویتی جدید متناسب با شرایط زندگی ساکنان عصر حاضر با اهداف اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، محیطی و کالبدی

شکل گرفت (Liu, 2020). که از آن به عنوان توسعه حاشیه‌ی پایدار یاد می‌شود (Davidson & Ryerson, 2018)؛ بنابراین اهمیت توجه به توسعه حاشیه‌ی شهری با ناکارآمدی و تک بعدی بودن رویکردهای قبلی نسبت به بافت‌های شهری از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی مطرح شده است (Janke, 2021). واژه توسعه شهری در لغت به معنی تمدید سازی و نو شدن و به روز شدن است (Marleau Donais et al., 2019)؛ اما به لحاظ مفهومی به معنی خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های فضایی (کالبدی) و فعالیتی قدیم است (Padeiro, 2016). توسعه حاشیه شهر (بهسازی بافت حاشیه شهری) یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی‌های نو که همگی در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره روابط شهری کهن یا موجود مؤثر می‌افتد (Ghosh et al., 2022). در این رویکرد توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی و حفظ ثروت‌های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت‌وسازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری‌های متعدد، توجه به اقدام‌های کیفی به موازات اقدام‌های کمی، مشارکت گروه‌های اجتماعی و غیره مشهود است.



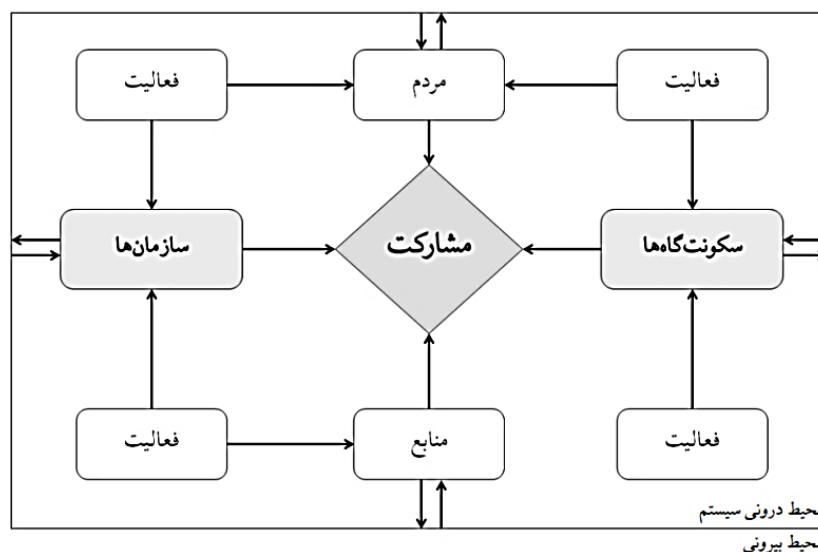
نمودار شماره ۱: الگو مفهومی تقابل مدیریت شهری با مفهوم توسعه حاشیه شهری

طیف متنوعی از اهداف برای هدایت مدیریت شهرها وجود دارد. بهبود بهره‌وری شهری، کاهش فقر و حفظ محیط‌زیست از جمله اهدافی است که در اسناد سیاستی بانک جهانی در سال ۱۹۹۱ میلادی آمده است (Lombard, 2014). برنامه توسعه سازمان ملل از بهبود شرایط زیست در نواحی شهری کشورهای در حال توسعه از طریق بهبود وضعیت تأمین خدمات عمومی به‌ویژه برای اقشار رو به رشد فقیر شهری حمایت می‌کند (Lou et al., 2020). این سازمان و دیگر نهادهای مشابه (مانند UNCHS) از پایداری در بهبود شرایط حمایت می‌کنند (Croes, Ridderstaat, Bak, & Zientara, 2021). برای بیان اهداف مدیریت شهری، اول باید نیازهایی را که باعث ایجاد نظام مدیریت شهری شده است بیان کرد (Chiodelli et al., 2021). این نیازها عبارت‌اند از:

- نیاز به ارتقاء کار و زندگی همه‌ی مردم شهر
- نیاز به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار (اجتماع مشارکت طلب و همراه)
- نیاز به حفاظت از محیط کالبدی شهر (کاهش آسیب‌های شهری و بحران‌ها)

با توجه به این نیازها هدف اصلی مدیریت شهری «پدید آوردن شهری سالم، پایدار است. از جمله ویژگی‌های شهر تاب آور، سالم و پایدار عبارت است از: مشارکت بالای مردم در اخذ تصمیم‌ها، فضایی تمیز و باکیفیت، محیط‌زیست پایدار، جامعه‌ی منسجم، تأمین نیازهای اساسی برای همه‌ی مردم شهر، اقتصاد پویا، بهداشت بالا (Rojo-Mendoza et al., 2022). به‌منظور بهبود امور اقتصادی و اجتماعی و کاهش نابرابری‌های موجود در جامعه، توسعه روحیه همکاری و ایجاد انگیزه مشارکت در بین مردم

یکی از راه‌های روشن تشخیص داده شده است (Kos et al., 2021). به اعتقاد کارشناسان دموکراسی تعاونی در جهان وسیله مناسب برای مشتعل نگاه داشتن کارایی و اثربخشی عظیم نیروی انسانی مشارکت مردمی است (Janke, 2021). مشارکت مردمی را به خونی که در بدن گردش دارد تشبیه می‌نمایند و معتقدند که نمی‌توان جامعه را بدون آن تصور کرد (Puustinen et al., 2018). برای اینکه مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه به عمل درآید، نیازمند وجود سازمان مناسب و الگوی سازمانی است که در آن هر عنصر یا زیرسیستم در جایگاه مناسب خود قرار گرفته باشد (Davidson & Ryerson, 2018; Rojo-Mendoza et al., 2022). تنها در این قالب می‌توان سازمان مناسب برای درگیر کردن مردم در تعیین سرنوشت خود را ایجاد و تعامل مناسب بین اجزاء مختلف سیستم را برقرار کرد (توجه به نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۲: مدل توسعه بر محور مشارکت و زیر سیستم‌های اصلی آن

در چنین مدلی، مشارکت محور و ماهیت اصلی فرایند توسعه را تشکیل می‌دهد که از طریق ارتباط متقابل با مردم، منابع، سازمان‌ها و سکونتگاه‌ها به عمل درمی‌آید و فعالیت‌ها یا نقش‌ها روح سیستم و هویت روابط متقابل را شکل می‌دهند (McArthur, 2017). این اجزاء و عناصر نه تنها در ارتباط متقابل با یکدیگر، بلکه در ارتباط و تعامل چندجانبه و پیچیده‌ای باهم قرار دارند که مدار بیرونی کلیت آن را تعیین می‌کند (Israel, 2021). این کلیت از عوامل بیرونی نیز تأثیر پذیرفته و بر آنها تأثیر می‌گذارد که بریده‌بریده بودن محور بیرونی نشان‌دهنده آن است. بر اساس این مدل می‌توان گفت که تعامل و تعادل در محیط درونی و بیرونی سیستم توسعه که زیرسیستم‌های اصلی آن را مشارکت، مردم، منابع، سازمان‌ها و سکونتگاه‌ها تشکیل می‌دهند فرایند توسعه پایدار را برقرار می‌سازد. امروزه نقطه اتکا تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بر پایه راهبرد توسعه جامعه‌ای^۱ است. این برنامه نوید می‌دهد که هم‌پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا کند و هم بدون تحولات انقلابی در نظم سیاسی و اقتصادی موجود، در تأمین رفاه مادی مشارکت کند (Padeiro, 2016). راهبرد توسعه جامعه‌ای به دنبال توانمندسازی توده مردم از طریق تقویت نهادهای اجتماع محلی، درگیر ساختن مردم در تعیین سرنوشت خود و تصمیم‌گیری جمعی بود (Rojo-Mendoza et al., 2022). اندیشه‌ی توسعه شهر تنها در ارتباط با تحولات اجتماعی و فرهنگی است که معنا پیدا می‌کند (Kos et al., 2021). بدین جهت پژوهش‌های که ساختارهای نوین و معتبر در این حوزه را مطرح نموده‌اند در جدول شماره ۱ بررسی خواهد شد.

^۱ community development

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهشی داخلی و خارجی

پیشینه داخلی			
عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	خلاصه نتایج قابل استخراج
پایش زیست پذیری سکونتگاه‌های ناکارآمد پیرا شهری کلان‌شهر رشت مورد محله عینک	نصیری هندخاله و همکاران	۱۴۰۰	بین ابعاد مختلف زیست پذیری در سطح محله تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بیشترین مقدار همبستگی زیست‌پذیری محله عینک متعلق به شاخص کالبدی - فضایی است.
تبیین زیست پذیری سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر رشت	علینقی پور و همکاران	۱۴۰۰	شاخص پیوستگی و تعلق مکان بیشترین و شاخص گردشگری کمترین تاثیر را بر زیست پذیری روستاهای مورد مطالعه داشته است.
تحلیل میزان مشارکت جامعه محلی در توسعه سکونتگاه‌های پیراشهری مورد: خشکبیجار در شهرستان رشت	پوررمضان	۱۳۹۹	اعتقاد به اهمیت کار گروهی، سن، درآمد، تحصیلات و شغل اصلی با میزان مشارکت آنان در راستای توسعه روستایی نقش کلیدی ایفا میکند.
عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه نشین شهر مشهد	پوررجبی و مجدی	۱۳۹۸	ضعف قابل ملاحظه در بنیان‌های آگاهی و دانش، بنیان‌های اقتصادی و تولیدی و نیز سازوکارهای نهادی در تخصیص و توزیع سرمایه‌ها و امکانات است.
پیشینه خارجی			
عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	خلاصه نتایج قابل استخراج
حومه نشینی اشتغال در قرن بیست و یکم: مقایسه ای از مناطق شهر آلمان و ایالات متحده	(Heider & Siedentop,) (2020)	۲۰۲۰	نشینان از شهر و محله زندگی خود احساس رضایت بالایی ندارند و از احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند.
دولت و شهرنشینی در حومه پکن	(Zheng & Barker,) (2021)	۲۰۲۱	زندگی در این محل باعث پیدایش شکل گیری و بروز ناهنجاری های متعدد شده است؛ به طوری که بسیاری از این خانواده ها از فقر و محرومیت رنج می برند.
طبقه بندی روستاها در حومه شهری از منظر ادغام شهری و روستایی و استراتژی های بهبود	(Tian, Qian, & Wang,) (2021)	۲۰۲۱	احساس تعلق شهروندی پایینی برخوردار هستند. آنها از مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی پایینی برخوردارند
انواع کارکردی سکونتگاه‌های حومه‌ای در اطراف دو شهر	(Kubeš & Ouředníček,) (2022)	۲۰۲۲	وضعیت یک وضعیت نابسامان و نابهنجار است که باید به شکلی به بهبود وضعیت ساکنان منجر شود.
حوضه های جاذبه در اطراف شهرهای بزرگ - مطالعه فضاهای تعامل شهری در اروپا	(Dziecielski, Kourtit,) (Nijkamp, & Ratajczak,) (2021)	۲۰۲۲	ضعف اساسی و بنیادینی در پیراشهری دریافت نمیشود در برخی نقاط ساختار آگاهی دچار تحولات شده است. الگوهای ساختاری توسعه به لحاظ کارکردی با فضای پیراشهری هماهنگی ندارند.
ارزیابی مورفولوژیکی و بازآفرینی سکونتگاه‌های غیررسمی: رویکرد طراحی شهری دولت مبتنی بر تجربه	(Mohamed,) (Ubarevičienė, & van Ham,) (2022)	۲۰۲۲	بین مناطق پیراشهری و افزایش میزان محرومیت نسبی رابطه وجود دارد که در نهایت باعث حاکم شدن فرهنگ فقر در منطقه پیراشهری شده است.
رشد کلان شهرها، چرخه های شهری و مسکن در یک کشور مدیترانه‌ای، دهه ۱۹۱۰ تا ۲۰۱۰	(Zambon & Salvati,) (2019)	۲۰۱۹	پیچیده فضایی گسترش شهری را با امواج متوالی رشد متراکم شهری، متراکم شدن بیش از حد شهرها، حاشیه‌نشینی نیمه متراکم نواحی حاشیه‌ای و پراکندگی در مناطق روستایی داخلی ساحلی و در دسترس تر ترسیم می کند.

تمرکز این مطالعات بر این است که حاشیه‌ی شهر روابط افراد را مختل و منجر به خشونت و طرد می‌شود. در این مطالعات که تا حدی زیادی متأثر از جامعه‌شناسی شهری هستند، نگاهی بدبینانه و از بالا به پایین به زندگی در حاشیه شهر داشته و با ارائه

تصویری فضای کالبدی و اسکان غیررسمی در مناطق حاشیه نشین، سعی دارند که راهکارهای رفع معضلات حاشیه نشینی را در ایجاد مسکن مناسب و دوری از زندگی در مناطق کثیف و پرتراکم شهری بدانند همچنین در برخی از پژوهش‌ها زمینه‌های اجتماعی درونی تعمیق و یا تعدیل در فضاهای پیرامونی را مورد کاوش قرار می‌دهند. در این مطالعات، محیط‌های همچون محل کار، محل سکونت، روابط پدرسالارانه، تعاملات اجتماعی، تعهدات و تعلقات محلی، نظام خانوادگی، مشارکت اجتماعی و ... مورد بررسی قرار می‌گیرند. در اینجا، تأکید بر این است که مختصات اجتماعی این محیط‌ها چگونه می‌تواند احتمال تعمیق توسعه اجتماعی و فرار از حاشیه بودگی را افزایش دهند و یا برعکس، منجر به فروکاست توسعه اجتماعی و تعمیق حاشیه بودگی شوند. ضعف حوزه پژوهشی در زمینه فهم توسعه حاشیه شهری که از طریق کنشگری، برنامه ریزی، سیاست گذاری و اجرا می‌شود مشهود است بنابراین توجه اصلی این پژوهش بر معنای توسعه در میان تصمیم گیران و مدیران شهری است.

یافته‌های پژوهش

برای دریافت معنای توسعه حاشیه‌ی شهر در بین مدیران و سیاست‌گذاران شهری با ۲۶ نفر از مدیران و سیاست‌گذاران این حوزه مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. افراد به شیوه تصادفی انتخاب شدند. در فرایند انتخاب نمونه نکته‌ای که باید مد نظر داشت این است که نمونه انتخاب شده تا چه حد در فرایند پژوهش کمک‌کننده است، زیرا در تحقیق کیفی هر پاسخگو و پاسخ‌هایش روشن‌کننده مسیر پژوهش است. فرایند انجام مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه خواهد یافت که اشباع نظری حاصل شود به این معنا که با اضافه شدن نمونه‌های بیشتر به اطلاعات به دست آمده افزوده نشود. در تحقیق حاضر برای کسب حداکثر اطلاعات لازم در انتخاب نمونه‌ها تلاش شد تا از مسئولین مختلف و مدیران در دستگاه‌های گوناگون با سطح تحصیلات گوناگون قرار گیرند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: نام سازمان‌ها و ادارات تحت مصاحبه در پژوهش

ردیف	نام سازمان	ردیف	نام سازمان
۱	اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان	۱۰	اداره کل ثبت اسناد و املاک گیلان- معاونت پژوهشی
۲	مرکز پژوهش‌های شورای شهر	۱۱	کمیته امداد امام خمینی (ره) اداره کل امور اجرایی قرارگاه جهادی
۳	اداره کل بهزیستی استان گیلان- معاونت اجتماعی	۱۲	شهرداری مناطق پنج‌گانه شهری- حوزه ریاست
۴	مجلس شورای اسلامی - مجمع نمایندگان استان	۱۳	سازمان امور شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
۵	شهرداری- معاونت توسعه خدمات شهری	۱۴	اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان
۶	استانداری- معاونت اجتماعی	۱۵	سپا پاسداران انقلاب اسلامی- معاونت پژوهشی
۷	پژوهشکده گیلان شناسی - معاونت پژوهشی	۱۶	بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی
۸	اداره کل ورزش و جوانان استان- کارشناس مشارکت‌های مردمی	۱۷	پارک علم و فناوری استان
۹	سازمان تأمین اجتماعی استان- کارگروه توانمندسازی	۱۸	کمیته امداد امام خمینی (ره) - مرکز برنامه‌ریزی و پژوهش

عمده‌ترین و متداول‌ترین روش و معیار در پژوهش‌های کیفی، صرف زمان زیاد در میدان، زاویه‌بندی، روش اعتبار پاسخگو و یا کنترل توسط مشارکت‌کنندگان است (Willand & Nethercote, 2020). جهت تأمین اعتبار ابزار پژوهش پس از تهیه مهم‌ترین محورهای مصاحبه بر اساس تحقیقات مشابه و پژوهش ابتدایی که توسط مصاحبه‌های اولیه صورت پذیرفت، نتایج اولیه در اختیار

مطلعان قرار داده شد؛ در واقع مصاحبه‌ها در یک فرایند رفت و برگشتی به شکل کلی (هیئت‌نگر^۱) مورد تأیید مصاحبه‌کنندگان قرار گرفت (مصاحبه‌نامه‌ی در قالب پرسش‌های اولیه تدوین شد) تا جهت‌گیری مصاحبه از روند اصلی خارج نشود؛ این امر باعث شد تا در مصاحبه‌های دوم و سوم که از مشارکت‌کنندگان دریافت شد مقولات و مفاهیم اکتشافی از اعتبار بالای برخوردار باشند. در جدول پایین مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳: مشخصات مدیران و سیاست‌گذاران شهری

ردیف	مؤلفه	مشخصه	تعداد	درصد	کل
۱	جنس	مرد	۱۴	۵۳٫۸۵	۲۶
		زن	۱۲	۴۶٫۱۵	
۲	تحصیلات	کارشناسی و کارشناسی	۸	۳۰٫۷۷	
		کارشناسی ارشد	۱۲	۴۶٫۱۵	
		دکتری	۶	۲۳٫۰۸	
۳	مسئولیت اجرایی	کارشناس شهرداری و کارشناس اداره کل	۹	۳۴٫۶۲	
		کارشناس شهرداری و کارشناس اداره کل	۴	۱۵٫۳۸	
		معاونین شهردار و معاونین اداره کل	۸	۳۰٫۷۷	
		شهردار مناطق و مدیرکل اداره	۳	۱۱٫۵۴	
		نماینده مجلس	۲	۷٫۶۹	

در ابتدا بر اساس تحلیل پاسخ‌های افراد چهار مؤلفه توسعه دولتی، اعتباربخشی، جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی، مسئولیت‌پذیری در حاشیه شهر استخراج شد. در مؤلفه توسعه دولتی یا دولت‌محوری با شش کدگذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم نگاه اعتبار بخش، تأمین‌کننده قدرتمند، توجه به کمبودهای، پوشش دادن امکانات، قیم مابانه، عامل بنیادی توسعه استوار هستند و همچنین در اعتباربخشی یا پایدار محوری با شش کدگذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم تحصیلات و آموزش پایین، طرد و نفی حاشیه، نادیده گرفته شدن، شغل‌های دست‌دوم (کهنه)، گسیختگی و انفصال محله و ناسازگاری بین مناطق (دوگانه سازی) استوار هستند و همچنین در مؤلفه جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی یا جمع‌محوری با شش کدگذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم کمبود قوانین جمعی، بی‌اعتمادی به مشارکت‌های دسته‌جمعی، تعهد کم به افراد محله، کم‌رنگ شدن ترس از نظارت دیگران، بی‌تفاوتی به محیط اجتماعی و نداشتن منافع مشترک با دیگران استوار هستند و در نهایت با مؤلفه مسئولیت‌پذیری یا تعهد محوری با هفت کدگذاری‌های اولیه (باز) مواجه هستیم (روبرو هستیم) که بر مفاهیم فرایند و روال اداری، پیچیدگی در قانون‌گذاری، پالایش نظرات، سلسله‌مراتبی بودن، مولد و تولیدگر، روحیه ناسپاسی، حجم انبوه انتظارات استوار هستند که در ادامه همین فصل توضیحات هر کدام و در زمینه مفصل‌بندی آنان با مقوله‌های میانه و مرکزی روشن خواهد شد. لازم به ذکر است که مقولات از پاسخ‌های مشارکت‌کنندگانی که مسئولیتی در حاشیه شهر بر عهده داشتند مبتنی بر معنا و ثقلی که آنان از مفهوم توسعه و چرایی توسعه‌نیافتگی که در ذهن خود داشتند استخراج شده است و مبتنی بر اظهارات آنان (کشف ساختمان فکری در زمینه توسعه) یک کنش مندی را برای خود متصور بودند که بر پایه ساختار الگوریتمی کدگذاری محوری (مقولات اصلی) برپایه مفاهیم مستخرج شده یعنی دولت‌محوری، ناپایدار محوری، فرد محوری و نامتعد محوری بر روی یک سازه مرکزی این پنج مؤلفه را به هم پیوسته و در یک منظومه فکری (سامان منطقی مفاهیم مرتبط) قرار می‌دادند.

^۱ Gestalt

جدول شماره ۴: کدگذاری مصاحبه‌های مدیران و سیاست‌گذاران شهری

فرایند کدگذاری		مشهود	
سازه‌ها (مفصل‌بندی)		مفاهیم	
مقوله مرکزی	مقولات اصلی	خرده مقولات	
کدگذاری گزینشی (انتخابی)	کدگذاری محوری (ثانویه)	کدگذاری باز (اولیه)	عنوان
فهم تک ساحتی از توسعه (عدم حاشیه‌سازی در مناطق شهری)	توسعه‌ی دولتی (دولت‌محوری)	نگاه اعتبار بخش	مسئولین شهری
		تأمین‌کننده قدرتمند	
		توجه به کمبودهای	
		پوشش دادن امکانات	
		پدر قیم مابانه	
		عامل بنیادی توسعه	
	اعتباربخشی (پایدار محوری)	تحصیلات و آموزش پایین	
		طرز و نفی حاشیه	
		نادیده گرفته شدن	
		شغل‌های دست‌دوم (کهنه)	
		گسیختگی و انفصال محله	
		ناسازگاری بین مناطق (دوگانه سازی)	
	جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری)	کمبود قوانین جمعی	
		بی‌اعتمادی به مشارکت‌های دسته‌جمعی	
		تعهد کم به افراد محله	
		کم‌رنگ شدن ترس از نظارت دیگران	
		بی‌تفاوتی به محیط اجتماعی	
		نداشتن منافع مشترک با دیگران	
	مسئولیت‌پذیری (تعهد محوری)	فرایند و روال اداری	
		پیچیدگی در قانون‌گذاری	
		پالایش نظرات	
سلسله مراتبی بودن			
مولد و تولیدگر			
روحیه ناسپاسی			
حجم انبوه انتظارات			

در این پژوهش ابتدا نمونه‌هایی با تأکید بر جامعه‌ی هدف انتخاب شدند. یعنی افرادی که تأثیرگذار در روند توسعه یابی مناطق حاشیه‌نشین بودند توسط مدیریت سازمان به مصاحبه‌گر معرفی شد و سپس با توجه به پرسش‌های ابتدای پرسشگر توانایی وی و حوزه مسئولیت او را در زمینه انجام فعالیت در حوزه حاشیه شهر را تأیید و مصاحبه باز (بدون سؤالات پیش‌فرض) گرفته شد و سپس بعد از یک هفته مصاحبه نیمه ساختاریافته (با سؤالات نیمه معین) را در مرحله سوم مصاحبه با وی پیگیری نمود. این نمونه‌ها، کارشناسان، مسئولان و مدیران مناطق حاشیه‌ی شهر رشت بودند که با عنوان کلی مدیران و سیاست‌گذاران شهری از آنان در پژوهش یاد می‌شود. مصاحبه‌ها با ۲۶ نفر از مدیران و سیاست‌گذاران شهری انجام گردید. بعد از پیاده‌سازی داده‌ها، کدگذاری اولیه انجام گردید و سپس بر اساس تحلیل مضمون به مفاهیم و مقولاتی پرداخته شده است. در مصاحبه‌های انجام‌شده، تمرکز پرسشگر بر

برساخت معنای توسعه در بین مناطق حاشیه‌نشین بود. در مجموع با ۲۶ نفر از افراد مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته انجام شد که مشخصات مصاحبه‌شوندگان به صورت زیر است:

جدول شماره ۵: مشخصات خردشده از مشارکت‌کنندگان

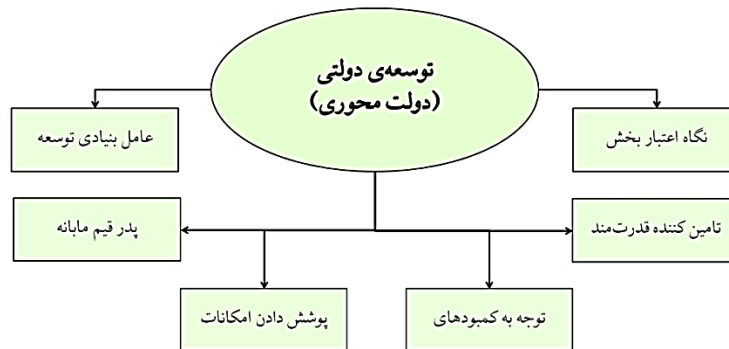
ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	درآمد (میلیون تومان)
۱	حامد	۴۷	فوق لیسانس	کارمند استانداری	حدود ۷م.
۲	احمد	۳۲	دکتر	استاد حق‌التدریس	۹م.
۳	ترنم	۵۷	لیسانس	کارمند استانداری	حدود ۱۰م.
۴	مسعود	۴۶	فوق دیپلم	کارمند استانداری	حدود ۴م.
۵	ابراهیم	۳۶	لیسانس	کارمند استانداری	حدود ۵م.
۶	حبیب	۲۸	فوق لیسانس	پژوهشگر آزاد	۴/۵م
۷	نقیسه	۳۲	لیسانس	کارمند استانداری	۴م
۸	تینا	۴۳	فوق لیسانس	پژوهشگر آزاد	۳/۷م
۹	توحید	۳۱	فوق لیسانس	پژوهشگر آزاد	۳م
۱۰	نریمان	۳۵	دکتر	کارمند استانداری	۸
۱۱	زهره	۵۵	فوق لیسانس	کارمند شهرداری	۷م.
۱۲	نازنین	۳۸	فوق لیسانس	کارمند شهرداری	بیش از ۱۵م.
۱۳	ساغر	۴۰	فوق دیپلم	کارمند استانداری	حدود ۳/۷م.
۱۴	سید کاظم	۵۸	دکتر	نماینده مجلس	حدود ۱۵-۱۰م.
۱۵	سید علی	۶۴	دکتر	نماینده مجلس	حدود ۱۵-۱۰م.
۱۶	الهام	۴۲	دکتر	استاد حق‌التدریس	بیش از ۸م.
۱۷	جبار	۵۱	فوق دیپلم	کارمند شهرداری	حدود ۱۲م.
۱۸	سوگند	۴۲	لیسانس	کارمند استانداری	حدود ۱۵-۱۰م.
۱۹	محمدرضا	۳۲	فوق لیسانس	کارمند استانداری	بیش از ۱۵م.
۲۰	هیران	۴۴	لیسانس	کارمند شهرداری	حدود ۷م.
۲۱	محمد	۶۹	فوق لیسانس	کارمند شهرداری	حدود ۵م.
۲۲	نسرین	۳۸	فوق لیسانس	پژوهشگر آزاد	بیش از ۸م.
۲۳	غلامرضا	۵۰	دکتر	استاد دانشگاه	حدود ۱۵-۱۰م.
۲۴	سبین	۴۷	فوق لیسانس	استاد حق‌التدریس	بیش از ۱۲م.
۲۵	سمانه	۳۰	لیسانس	کارمند شهرداری	بیش از ۶م.
۲۶	محمدعلی	۵۷	فوق لیسانس	کارمند استانداری	حدود ۹م.

جهت تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها بر مباحثی که پیرامون معنای توسعه در بین مناطق حاشیه‌نشین، تمرکز شد. در ابتدا کدگذاری باز انجام گردید و کدهایی که از نظر محتوایی نزدیک به هم بودند، از طریق نرم‌افزار MAXQDA 2020 در یک گروه قرار داده شد و مفهوم جداگانه‌ای را تشکیل دادند که سپس بر اساس نزدیک بودن بعضی از مفاهیم باهم، یک مقوله تشکیل شد. بر اساس همین فرآیند، پژوهش حاضر دارای چهار مقوله محوری است. به ترتیب توضیحات مقوله اول با عنوان «توسعه به معنای توسعه‌ی دولتی یا به عبارتی دولت‌محوری» است که شش مفهوم برای آن تشخیص داده شد. مقوله دوم با عنوان «توسعه به معنای فتور در اعتباربخشی یا به عبارتی ناپایدار محوری» است که این مقوله نیز دارای شش مفهوم است. مقوله سوم با عنوان «توسعه به معنای

تک‌روی در شرایط اجتماعی یا به عبارتی فرد محوری» هست که شش مفهوم در دل آن جای گرفت و در نهایت مقوله پنجم «توسعه به معنای مسئولیت‌پذیری یا به عبارتی نامتعد محوری» تشخیص داده شد که ذیل این مقوله، هفت مفهوم جاگذاری شده است. در ادامه گزارش مربوط به موضوع پژوهش، با سرفصل‌های ۴ مقوله مورد نظر همراه با نمودار بندی مربوطه ارائه شده است. لازم به ذکر است که در نمودار تشریحی ذیل هر مقوله محوری، کدگذاری باز و مفهوم نیز با جزئیات به نمایش گذشته شده است.

توسعه به معنای توسعه‌ی دولتی (دولت محوری)

روش توسعه‌ی دولتی، به عنوان روش تغییر یا توسعه، بر این اصل استوار است که بالاترین سطح مراتب سکونتگاه‌ها بهترین مکان برای دستیابی به نرخ بالاتری از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی است (Ghosh et al., 2022). این نرخ بالاتر رشد از طریق استفاده از مزایای انباشت و تمرکز که در مراکز بزرگ‌تر وجود دارد، به دست می‌آید. نگرش بالا به پایین همچنین در ارتباط با روند توسعه دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی خاصی را شامل می‌شود. نریمان می‌گوید: «یکجا از شهر اصلاً خبر از هیچ امکانی نیست حتی برای پیدا کردن یک دستشویی باید ساعت‌ها در شهر بچرخیم این عامل و عامل‌های رفاهی هست که زندگی را راحت می‌کند برای مردم نه یکسری بحث‌های بی‌فایده در تلویزیون». مدل‌ها و نظریه‌های مبتنی بر راهبرد توسعه‌ی دولتی از این نظریه الهام می‌گیرند که توسعه نمی‌تواند به‌طور اتفاقی در سطح منطقه شکل گیرد. توسعه گرایش به استقرار در نقاطی دارد که حد مناسبی از تمرکز دارند که این نقاط مراکز یا نقاط رشد نامیده می‌شوند. پس از رخ دادن توسعه در این مراکز به آرامی و به تدریج در نواحی پیرامون گسترش می‌یابد و در اطراف مرکز پخش می‌شود. الهام می‌گوید: «تا وقتی دولت نخواهد مطمئناً به انجام نخواهد رسید». بر اساس این نظریه در برنامه‌ریزی منطقه‌ای این اصل پذیرفته می‌شود که توسعه گرایش به استقرار در واحدهای اقتصادی بزرگ‌تر و متراکم‌تر نسبت به واحدهای پراکنده و نواحی کم تراکم دارد. در این رابطه بر تمرکز سرمایه در سکونتگاه‌های بزرگ و در برخی از سطوح پایین‌تر سلسله مراتب سکونتگاه‌ها که پتانسیل لازم برای تبدیل به مراکز بزرگ‌تر را دارند، تأکید می‌شود.



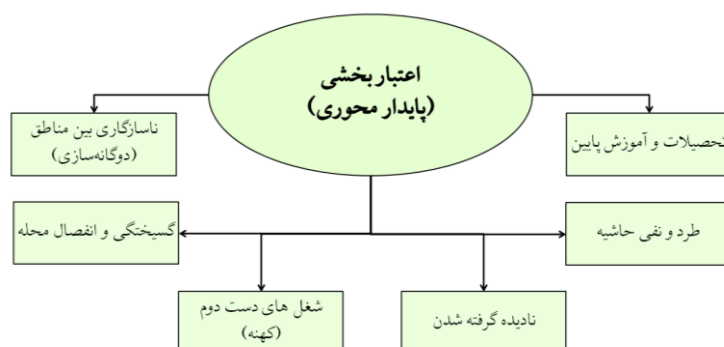
نمودار شماره ۳: مؤلفه محوری توسعه‌ی دولتی (دولت محوری) و مفاهیم ذیل آن

در مدل‌های فضایی مبتنی بر راهبرد توسعه‌ی دولتی هر چه مقیاس سکونتگاه بزرگ‌تر باشد بیشتر در کانون پیش‌بینی و اجرای برنامه‌های توسعه، به عنوان هسته قرار دارند. در این راهبرد فرض بر این است که در مراحل بعدی، از طریق پخش توسعه و نوآوری‌ها از مراکز رشد شهری، نواحی پیرامونی را در برمی‌گیرد، در جریان توسعه قرار می‌گیرند (Willand & Nethercote, 2020). توسعه منطقه‌ای و برخورداری نواحی تنها از طریق پخش آثار توسعه از مراکز شهری به نواحی پیرامونی حاشیه شهر روی می‌دهد. در این مدل‌ها به وضعیت‌های محلی، تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص مناطق توجهی نمی‌شود و بر روندی کاملاً یک‌طرفه از بالا به پایین که لازمه آن تمرکز شدید است تأکید می‌شود (Chiodelli et al., 2021). ساغر می‌گوید: «زیرساخت‌های اساسی یک مملکت باید از طریق دولت و مسئولین دولتی پیگیری شود و در جهت رفع نابرابری برنامه‌ریزی‌های اساسی صورت بگیرد.» «داده‌ها

و حجم اعتباری که دولت اختصاص می‌دهد بالاتر از شرکت‌های خصوصی برای پیمانکاران است.» در سوی دیگر روش‌های توسعه، استراتژی تغییر از پایین به بالا عکس روش توسعه بالا به پایین و در مقابل آن قرار می‌گیرد (Leung, Choy, & Chau, 2022). این رهیافت در توسعه فضایی و سرزمینی به دنبال اصلاح وضعیت اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌ها، جمعیت و فعالیت با تمرکز در سطوح پایین سلسله‌مراتب سکونتگاهی و پس‌از آن انتقال به سطوح بالاتر است.

توسعه به معنای اعتباربخشی (پایدار محوری)

توسعه در کشورهایی صورت می‌گیرد، که با اشتراکی کردن ثروت تولیدی، و نزدیک شدن به نیروهای بیرونی تغییر، اتکاء و اعتبار بیشتری به منابع محلی دارند. این ایده را «انسداد گزینشی منطقه‌ای / قلمروی» نامیده‌اند (El-Dorghamy & Mosa, 2016). به بیان ساده‌تر، تلاش کشورها، باید به کاستن از میزان درگیری آنها در فرآیندهای نابرابر تبادل معطوف شود (Aryadoust, 2020). و تنها راه‌حل «افزایش خودکفایی و اعتمادبه‌نفس» است (Falco, Zambrano-Verratti, & Kleinhans, 2019). که در ساخت و ساحت اجتماعی به اعتباربخشی شناخته می‌شود، سید کاظم در این زمینه اشاره می‌کند که: «اصل برای ما تمرکز بر روی محیط شهری هست پیرامون پر از مشکل هست تا دلتان بخواید به نظر من همه ادارات باید تمرکز خودشان رو بر روی مرکز شهری و مناطق پر رفت‌وآمد بگذارند تا مشکلات شهر ما حل بشود.» اما عنوان می‌شود که در شرایطی که شهرها بر پایه خود استوار باشند، مکان استقرار شهری دیگر تعیین‌کننده نخواهد بود. از این رو فریدمن و ویور اظهار می‌دارند که «شهرهای بزرگ امتیاز قاطع کنونی خود را از دست خواهند داد.» روشن است که این رویکرد، اگر نگوئیم کاملاً بر اصول سوسیالیسم مبتنی است، اما الهام گرفته از آن است. مسعود می‌گوید: «حاشیه شهر یک ساخت‌وساز خودرو و بی‌نظم و منطق هست باید با ساختاری که نظم مناسب ندارد برخورد شود.» «به لحاظ روانی محلات به هم نزدیک نیستند شاید به لحاظ امکاناتی در یک وضعیت و اوضاع قرار داشته باشند اما تفاوت‌ها خیلی زیاد هست.» توجه به ویژگی‌های بومی و ارزش قائل شدن برای منابع در دسترس منطقه‌ای راهبرد کلیدی برای توسعه‌بخشی در حیطه اعتبار افزایشی به شمار می‌آید که در این رابطه توحید می‌گوید: «بچه‌ها جویری تربیت می‌شوند که برای حملی مناسب هستند بیخشی این یک واقعیت است.» «همچنین غلامرضا اضافه می‌کند که: «اگر آموزش دیده باشند که ماجرا تمام است اصلاً دیگر نیازی ندارد تو آن محلات زندگی کند.»



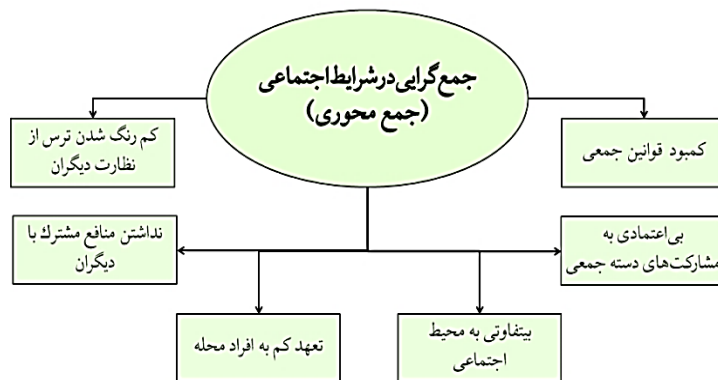
نمودار شماره ۲: مؤلفه محوری اعتباربخشی (پایدار محوری) و مفاهیم ذیل آن

دولت‌ها، علی‌رغم شناختی که نسبت به مسائل و مشکلات شهری دارند، فقط راه‌حل را در ممانعت و جلوگیری از مهاجرت مردم به شهرها می‌دانند، درحالی که باید برای مسئله‌ای به این پیچیدگی، راه‌حل‌های مختلفی را اختیار کرد. محمدرضا می‌گوید: «تا دلتان بخواید آدم‌های هستند که شغل‌های با ابروی ندارند معذرت می‌خواهم از قاچاقچی بگیر تا مال‌خر تو این جور جاها زندگی می‌کنند برای چی؟ برای این که دست رسی آنان به فضای شهری به کوتاه‌ترین زمان صورت بگیرد.» تفاوت‌هایی که از لحاظ

شهرنشینی در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد، چند ویژگی مشترک نیز از لحاظ اعتبار بخشی در شهرنشینی در این کشورها وجود دارند که عبارت‌اند از: ۱. وجود ناهماهنگی و عدم تعادل میان نرخ رشد جمعیت شهرنشین با رشد تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی ۲. توجه به وضعیت نامطلوب روستاها به‌خصوص از لحاظ اقتصادی به‌عنوان عاملی مهم در شد جمعیت شهری (مهاجرت) ۳. ناهمگونی و توزیع نامناسب نظام شهری (ماکروسفالی) ۴. وجود بخش حاشیه‌نشینی در کنار شهرها.

توسعه به معنای جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری)

مفهوم جمع‌گرایی به شکل‌های گوناگون به‌صورت مترادف جامعه، سازمان اجتماعی و نظام اجتماعی به‌کاربرده شده است در این چارچوب فکری این نهادها بر افراد متقدم هستند و انسان را اجتماعی و شهروند بار می‌آورند. از نظر تالکوت پارسونز، اجتماع جمعی از کنشگران است که در حوزه مکانی محدود با یکدیگر شریک هستند (Sahoo et al., 2021) و این حوزه در حکم پایگاهی است که آنان بخش اعظم فعالیت‌های روزانه خود را در محدوده آن به انجام می‌رسانند (Yang et al., 2022). از منظر اجتماعی، اجتماع مجموعه‌ای از روابط متقابل افراد و گروه‌های مختلفی از مردم است که در مکانی خاص پی‌ریزی می‌شود و این افراد به‌واسطه وابستگی و علائق مشترک با همدیگر اتحاد و پیوند دارند (Peiffer-Smadja & Torre, 2018). به‌عبارت‌دیگر، اجتماع، تنیده‌ای از روابط شخصی، گروه‌ها، شبکه‌ها، سنن و الگوهای رفتاری موجود بین رویه‌هاست و واحد همسایگی فیزیکی، موقعیت اجتماعی-اقتصادی یا تفاهم مشترک و علائق را به اشتراک می‌گذارد (Habibi, Arefi, Doostvandi, & Ashouri, 2022). در این ارتباط نازنین می‌گوید: «یکسری دستورالعمل‌های ثابتی برای زندگی در شهر نداریم نه حاشیه شهر نه جاهای دیگر اصلاً قاعده‌ی وجود ندارد تا آدم‌ها بتوانند درست باهم زندگی کنند من چند روز پیش که نانوايي محله رفته بودم دیدم اصلاً مردم نمی‌دانند چطور در صف بایستند و یکسری قاعده‌های رو رعایت کنند چه برسد به زندگی شهری.» یکی دیگر از تعاریف اجتماع، به معنای گروهی از مردم با منافع مشترک است (Lou et al., 2020). دپارتمان محیط، حمل‌ونقل و مناطق در سال ۱۹۹۸ اجتماع را به‌عنوان گروهی از افراد با پیوند مشترک بالاتر از واحد خانواده و پایین‌تر از نخستین سطح اداره شهر تعریف می‌کند (Aryadoust, 2020)؛ در این تعریف، اجتماع به‌عنوان گروهی از مردم در نظر گرفته می‌شود تا از بازآفرینی و خدمات محلی منتفع شوند. بنیاد اقتصاد نوین اجتماع را به‌عنوان شبکه‌ای از روابط با سطح قابل توجهی از توجه و تعهد مشترک تعریف می‌کند (Bhutoria & Aljabri, 2022).



نمودار شماره ۵: مؤلفه محوری جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی (جمع محوری) و مفاهیم ذیل آن

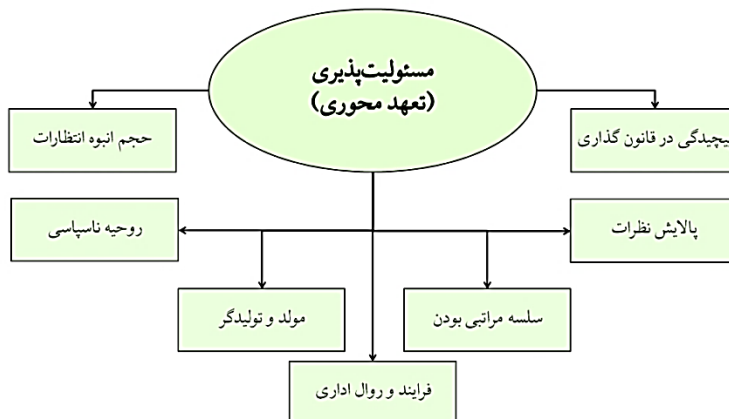
محققان کارگروه شهری دریافته‌اند که اجتماع معانی گوناگونی برای افراد مختلف دارد: افراد مسنی که بیشتر در حومه‌ها زندگی می‌کنند، در تعریف از اجتماعات قوی مایل هستند تا بیشتر بر سازمان‌های رسمی محلی و همسایه‌های آشنا تأکید کنند؛ اما

برای جوان ترها که در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند، اجتماع به‌جای شناختن تک‌تک همسایه‌ها، بیشتر پیرامون علایق مشترک و هویت تعریف می‌شود (Chiodelli et al., 2021). ترنم می‌گوید: «اینکه خودمان را فارغ از درد دیگری بدونیم خیلی بده اینکه نتوانیم یک حس مشترک بین مردم پیدا کنیم.» ماکس وبر با استفاده از مفهوم رابطه اجتماعی، عبارت گروه‌های اجتماعی را طرح می‌کند. از نظر او، فرایند ادغام و یکپارچه شدن کنشگران (عاملان) به ایجاد جامعه و اجتماع می‌انجامد. نتیجه این فرایند هنگامی به تشکیل اجتماع می‌انجامد که بنیاد تشکیل گروه احساس تعلق به آن مبتنی بر روابط عاطفی و سنتی باشد. توحید می‌گوید: «رعایت قوانین و دستورالعمل‌های شهروندی می‌تواند کمک‌کننده به بهبود وضعیت شهری و حتی تصمیماتی باش که افراد می‌گیرند.» همچنین نقیسه می‌گوید: «به لحاظ فرهنگی باید در ایجاد حس مشارکت جمعی باید تلاش کنیم در واقع باید موضوع رو از طریق جامعه شناسان در این حوزه که بحث سرمایه اجتماعی کار می‌کنند پیگیری کنیم تا به شکل دقیقی شاهد مشارکت و حمایت اجتماعی مردم در این مناطق باشیم.» همچنین این فرایند هنگامی به تشکیل جامعه منجر می‌شود که انگیزش کنش‌های اجتماعی ناشی از پیوندهای افراد هدفمند باشد و به قراردادهای نانوشته در تنظیم اهداف بیانجامد (Ganning, 2018). در واقع از نظر او، پیوندهای عاطفی و ارگانیک در تشکیل اجتماع و پیوندهای مبتنی بر روابط قراردادی سبب تشکیل جامعه می‌شود. آنچه در تعریف اجتماع روشن است یکی شدن همبستگی اجتماعی با مرزهای مکانی است.

توسعه به معنای مسئولیت‌پذیری (تعهد محوری)

مسئولیت‌پذیری یک نوع الزام درونی و اخلاقی است که شخص را به انجام درست و شایسته امور محوله ترغیب می‌کند. در واقع، در سلسله‌مراتب نقش‌های اجتماعی قبول مسئولیت اساس و بن‌مایه‌ی نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد. ما نمی‌توانیم از حقوق و مزایای یک نقش اجتماعی بهره ببریم و در موقع پاسخگویی از زیر بار مسئولیت فرار کنیم (Atkinson-Palombo, 2010). مسئولیت‌پذیری جمعی از کژکارکردی نظام اجتماعی نشأت می‌گیرد (Atkinson-Palombo, 2010). محمدعلی می‌گوید: «شرایط کلی جامعه ما این سبکی هست که بار می‌آورد آدم‌ها رو بدون مسئولیت.» در واقع، مسئولیت‌پذیری انعکاس جامعه‌پذیری ناقص اعضای جامعه است و جریان اجتماعی شدن به‌طور کامل تحقق نیافته و افراد از حقوق و وظایف نقش‌های خود درک کاملی نداشته و برای انجام آن‌ها آمادگی لازم را پیدا نکرده‌اند. در این زمینه ساغر می‌گوید: هیران می‌گوید: «قوانین که باید تصویب بشوند مرحله‌ی دارد یکی از آن مراحل در مقام نظارت است باید ترتیب‌های اتخاذ بشود که نماینده مردم بتواند بر آن موضوع اشراف داشته باشد و بر مبنای آن حتی بتواند رصد کند اینکه قوانین تصویب کنیم اما در مقام اجرا نتوانیم مناسب عمل کنیم یک ضعف بزرگ و آسیب بزرگ‌تری به مملکت زده‌ایم.» همچنین محمد نیز اشاره می‌کند: «باید نظر اکثریت را اعمال کرد و بعد از گذشت یک فرصتی در مورد نظرات به شکل کارشناسی شده‌ی تصمیم گرفت.» به عبارتی مسئولیت‌پذیری در جامعه انعکاس عملکرد نادرست نهادهای مدرسه، خانواده و رسانه‌های جمعی است که به عنوان گروه‌های مرجع مسئولیت‌پذیری را بایستی به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم در اعضای جدید جامعه آموزش و درونی کنند (Yang et al., 2022).

سمانه اشاره می‌کند: «حدوداً زمان می‌برد تا یک قانون به‌وسیله شورای اسلامی تصویب برسد بهر ترتیب نمی‌شود یک سیستم جدید به یک‌باره کارها را انجام دهد» در واقع، اگر شخصی خود را از وضعیت دشوار مسئولیت و انجام کار بیرون بکشد و یا مشکلات ایجاد شده در روند کاری را به گردن شخص دیگری بی‌اندازد، زرنگی و چابکی آن شخص را به نمایش می‌گذارد و این مسئولیت‌پذیری گاهی بیشتر از قبول مسئولیت برای شخص ارزش و اعتبار اجتماعی به همراه می‌آورد (Chiodelli et al., 2021).

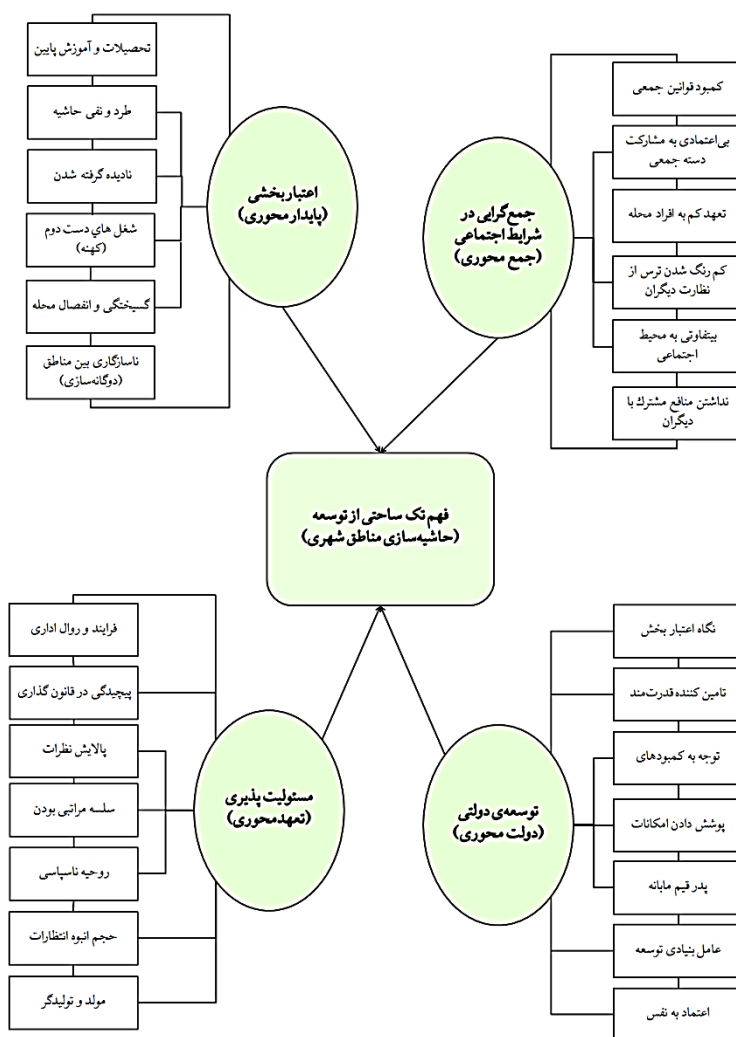


نمودار شماره ۶: مؤلفه محوری مسئولیت‌پذیری (تمهد محوری) و مفاهیم ذیل آن

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شهرهای امروز از نظر اجتماعی مشکلات زیادی دارند و این مشکلات اگر در بخش‌هایی صرفاً به مسائل و مشکلات ناشی از تفاوت‌های شهرنشینان و مهاجرین روستایی برگردد، در نواحی حاشیه مسائل قومی، زبانی، مذهبی و مسائل دیگر از مشکلاتی هستند که به نظر می‌رسد انتظام آنها با قوانین و اصول مدیریت شهری امروزی مطابقت نداشته باشد. منتخبین در شهرها به دلایل مختلف نمی‌توانند نمایندگان واقعی اقشار و طبقات مختلف ساکنان شهر باشند. با اینکه به‌ظاهر هماهنگی تئوریک در گروه‌های اجتماعی یا نمایندگان منتخب ممکن است احساس شود ولی عدم آگاهی در مدیریت شهری اقشار کم‌درآمد و فقیر و جوامع حاشیه‌نشین که امروز اکثریت ساکنان شهرهای نواحی داخلی و حاشیه‌ای کشور را تشکیل می‌دهند، نخواهد توانست خلأ ناشی از تفاوت‌های حاصله از قدرت‌های ناشی از توسعه اقتصادی در جوامع حاشیه‌ای را پر کنند که با پژوهش‌های کوبش و اوردنیچک (۲۰۲۲) و نصیری و هنده خاله و همکاران (۱۴۰۰) همخوانی و هماهنگی دارد. رهیافت و نگاهی که بهتر می‌تواند در جهت نیل به توسعه مناطق حاشیه‌نشین و به‌طور کلی در تأمین انواع نیازهای پیچیده شهرهای امروزی مؤثر و کارا باشد، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مردم‌سالار است. این موضوع امروزه در سراسر جهان الگوی موردپذیرش در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است و با چنین رویکردی مدیریت به اقتضای نیازهای بومی محلی و نیز فرهنگ و عادات ویژه هر مکان شهری و همچنین با توجه به تغییرات دائمی شهرهای امروزی و شهروندان آن دست به اقدام می‌زند (Dotsey & Lumley-Sapanski, 2021). پایه‌های اصلی این اقدام مشارکت مردمی، عدالت اجتماعی و توسعه همه‌جانبه (پایدار) است (McArthur, 2017). چنین رویکردی می‌تواند با مشارکت دادن مردم در سرنوشت شهر و استفاده از خرد جمعی، حس تعلق خاطر به محل زندگی را در آنها تقویت کند. در این نگرش توجه به کیفیت‌های موردعنايت مردم (نظام اجتماعی - فرهنگی) هر محله در کنار کمیت‌ها (کارکردگرایی) متبلور می‌گردد که در این زمینه با پژوهش‌های دزیسیلسکی و نایکام (۲۰۲۲) و پوررجبی و مجدی (۱۳۹۸) مطابقت دارد. ضرورت‌های مدیریت اجتماعی شهری امروز ایران تعداد کمی از دولت‌های کشورهای جهان سوم در اداره شهرهایشان موفق بوده‌اند (Büchel & Ehrlich, 2020). شهر و توسعه شهری با مشکلات زیادی روبرو هست (Ganning, 2018). جلب مشارکت شهروندان در رفع مشکلات یا کم بوده و یا تشریفاتی بوده است که در این زمینه با پژوهش‌های زامبون و سالواتی (۲۰۱۹) و محمد، اوبارویچینه، و ون هام (۲۰۲۲)، هماهنگی لازم را دارد. همچنین میان طبقات مختلف شهری است. اقوام مهاجر به شهرها بیش‌ترین فقر و بیشترین منافع ارزان‌قیمت برای پیشرفت را به خود اختصاص داده‌اند ولی قشر شهری توانایی لازم برای بیان خواست خود و تشکیلات و قدرت را دارد. گرچه تصور می‌شود که شهرها تا اندازه‌ای قدرت را از آن خود ساخته‌اند و دولت‌ها به‌راحتی حاضرند قدرت را

واگذار نمایند، باین همه ممکن است نخبگان ملی از جانب این اقدامات و سیاست‌های جسورانه و شورایی، احساس خطر کنند که در این زمینه با پژوهش‌های تیان کیان وانگ (۲۰۲۱) و همچنین علینقی پور و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد.



نمودار شماره ۷: مدل شماتیک مصاحبه‌های مدیران و سیاست‌گذاران شهری

همان‌طور که در نمودار شماره نشان داده شد. مدیران و سیاست‌گذاران شهری، توسعه دولتی، مسئولیت‌پذیری، جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی و اعتباربخشی را از مؤلفه‌های توسعه حاشیه شهری برمی‌شمارند و معتقد هستند هر چه قدر این مؤلفه‌ها در حاشیه شهرها افزایش پیدا کند مفهوم توسعه‌یافتگی در آن مناطق پررنگ‌تر خواهد بود. اما باید توجه داشت که اجرای طرح توسعه حاشیه شهری نیازمند به‌کارگیری رویکرد دولتی همراه با مردم است، که در آن مردم و دولت هر یک در جای خود قرار گرفته و از طریق مشارکت دوطرفه آنها مدیریت شهری صورت می‌گیرد. در این حالت دولت و مردم در تعامل مداوم و نزدیک و با همکاری و توافق دوطرفه دست به هرگونه اقدام مدیریت شهری می‌زنند. دولت از موضع تخصصی و مردم از دیدگاه تجربه زیسته‌شان، اقدام به ارائه راهکارهای لازم برای رسیدن به اهداف مورد توافق به وسیله روش‌های برآمده از تعامل با مردم می‌کند. بر اساس آنچه بیان شد می‌توان گفت که دلایل اصلی مسائل و مشکلات محلات به‌قرار زیر حل می‌شوند که به ترتیب راهکارهای توسعه دولتی، مسئولیت‌پذیری، اعتباربخشی و جمع‌گرایی در شرایط اجتماعی ارائه می‌شود:

- **اعتمادسازی مشارکت‌کنندگان به نتیجه کار:** برگزاری جلسات برای مشارکت فکری مالکان و ساکنان، یکی از عواملی بوده که سعی شد تا بدین طریق اعتماد مشارکت‌کنندگان را جلب کنند. همچنین روابط چهره به چهره و خانه به خانه با ساکنین و مالکین در بافت، برگزاری جلسات گروهی در مساجد، تکیه‌ها و حسینیه‌ها و... ارسال جزوات آموزشی، هرچند به صورت خیلی محدود، اما برای اعتمادسازی ساکنین به کار گرفته شود.
- **ایجاد نهادهای مشارکتی مناسب:** نبود تشکل‌های مردمی، کانونی برای سازمان‌دهی و هدایت مشارکت‌های مردمی، موجب افزایش فرهنگ خردگرایی به جای فعالیت‌های جمعی در زندگی مردم می‌شود. همچنین رویکرد از بالا به پایین در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، زمینه مناسب را برای گسترش نهادهای مردمی و مشارکت مردم فراهم نکرده است.
- **تخصیص امکانات و تسهیلات مناسب:** کمبود منابع مالی و انسانی که بتوان آنها را در اختیار رده‌های پایین گذاشت، مانعی در جهت کارایی نهادهای مشارکتی است. در صورتی که مردم اختیارات لازم و امکانات مالی برای اجرای طرح‌های خاص خود نداشته باشند، مشارکت به سرعت جای خود را به بی‌علاقگی خواهد داد. سیر طولانی اداری و هزینه‌بر بودن آن، یکی از دلایلی است که افراد به دنبال بر عهده گرفتن مسئولیت ساخت، تعمیر و... نمی‌روند.
- **خلق عوامل ترغیب‌کننده در مشارکت اجتماعی:** اعتمادسازی، مقدمه لازم توسعه مشارکت است. حضور یک نهاد واسطه بی‌طرف در همه مراحل بهسازی و نوسازی، به‌عنوان پیگیری‌کننده و تسهیل‌گر امر بهسازی و نوسازی، از عمده‌ترین عوامل تأمین مشارکت، آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. تا زمانی که نتوان مردم را به این باور رساند که با مشارکت، تعاون و همیاری می‌توان به جامعه‌ای مرفه‌تر دست یافت، تأمین مشارکت مردم امکان‌پذیر نخواهد بود. این‌همه، نیازمند خدمات، مشاوره، راهنمایی و تحقیقات عالمان علوم اجتماعی است تا با کشف پارادایم‌های عمده و اصلی سبک زندگی مردم، آنها را در جهت تطبیق دهی فرهنگ و شرایط زندگی اجتماعی، هدایت کنند.

منابع

- پوررجبی. میلاد؛ مجدی. علی اکبر (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه نشین شهر مشهد. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان. دوره ۱۳. شماره ۵۲. شماره صفحات: ۳۵-۶۰.
- پوررمضان؛ عیسی (۱۳۹۹). تحلیل میزان مشارکت جامعه محلی در توسعه سکونتگاه‌های پیراشهری مورد: خشکی‌جار در شهرستان رشت. فصلنامه توسعه فضاهای پیراشهری. دوره ۲. شماره ۲. شماره صفحات: ۹۵-۱۱۰.
- علینقی پور. مریم؛ پوررمضان. عیسی؛ مولائی. هاشم‌جین نصراله (۱۴۰۰). تبیین زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهر رشت. فصلنامه توسعه فضاهای پیراشهری. دوره ۳. شماره ۶. شماره صفحات: ۱۰۷-۱۲۸.
- نصیری هندخاله. اسماعیل؛ امیرانتخابی. شهرام؛ تاج. سروش (۱۴۰۰). پایش زیست‌پذیری سکونتگاه‌های ناکارآمد پیراشهری کلانشهر رشت مورد محله عینک. فصلنامه توسعه فضاهای پیراشهری. دوره ۳. شماره ۶. شماره صفحات: ۱۲۹-۱۴۶.
- Aryadoust, V. (2020). Measurement invariance across information and communication technology development index and gender: The case of the Pearson Test of English Academic reading. *Studies in Educational Evaluation*, 64, 100813. doi:<https://doi.org/10.1016/j.stueduc.2019.100813>
- Atkinson-Palombo, C. (2010). New housing construction in Phoenix: Evidence of "new suburbanism"? *Cities*, 27(2), 77-86. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2009.10.001>
- Bhutoria, A., & Aljabri, N. (2022). Patterns of cognitive returns to Information and Communication Technology (ICT) use of 15-year-olds: Global evidence from a Hierarchical Linear Modeling approach using PISA 2018. *Computers & Education*, 181, 104447. doi:<https://doi.org/10.1016/j.compedu.2022.104447>

- Bonney, M. T., & He, Y. (2019). Attributing drivers to spatio-temporal changes in tree density across a suburbanizing landscape since 1944. *Landscape and Urban Planning*, 192, 103652. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2019.103652>
- Büchel, K., & Ehrlich, M. v. (2020). (Cities and the structure of social interactions: Evidence from mobile phone data. *Journal of Urban Economics*, 119, 103276. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jue.2020.103276>
- Chiodelli, F., Coppola, A., Belotti, E., Berruti, G., Clough Marinaro, I., Curci, F & ,Zanfi, F. (2021). The production of informal space: A critical atlas of housing informalities in Italy between public institutions and political strategies. *Progress in Planning*, 149, 100495. doi:<https://doi.org/10.1016/j.progress.2020.100495>
- Croes, R. ,Ridderstaat, J., Bąk, M., & Zientara, P. (2021). Tourism specialization, economic growth, human development and transition economies: The case of Poland. *Tourism Management*, 82, 104181. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tourman.2020.104181>
- Davidson, J. H & ,Ryerson, M. S. (2018). Building reverse commute typologies through urban and suburban socioeconomic characteristics. *Cities*, 81, 180-189. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.04.007>
- Dotsey, S., & Lumley-Sapanski, A. (2021). Temporality, refugees, and housing: The effects of temporary assistance on refugee housing outcomes in Italy. *Cities*, 111, 103100. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.103100>
- Dziecielski, M., Kourtit, K., Nijkamp, P., & Ratajczak, W. (2021). Basins of attraction around large cities - A study of urban interaction spaces in Europe. *Cities*, 119, 103366. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103366>
- El-Dorghamy, A., & Mosa, A. I. (2016). Exploring Children's Travel to School in Upgraded Informal Settlements: A Qualitative Case Study of Ezbet El-Haggana. *Transportation Research Procedia*, 14, 1277-1286. doi:<https://doi.org/10.1016/j.trpro.2016.05.200>
- Falco, E., Zambrano-Verratti, J., & Kleinhans, R. (2019). Web-based participatory mapping in informal settlements: The slums of Caracas, Venezuela. *Habitat International*, 94, 102038. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2019.102038>
- Ganning, J. (2018). Chapter Seven - Change versus decline: The suburbanization of jobs in U.S. shrinking cities. In R. S. Franklin, E. S. Van Leeuwen, & A. Paez (Eds.), *Advances in Transport Policy and Planning* (Vol. 2, pp. 163-184): Academic Press.
- Ghosh, S., Kumar, D., & Kumari, R. (2022). Assessing spatiotemporal dynamics of land surface temperature and satellite-derived indices for new town development and suburbanization planning. *Urban Governance*. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ugj.2022.05.001>
- Habibi, K., Arefi, M., Doostvandi, M., & Ashouri, K. (2022). Reproduction of urban informality in Iran: Its key factors, tools and challenges. *Journal of Urban Management*. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jum.2022.05.007>
- Hadas, Y., & Nahum, O. E. (2016). Urban bus network of priority lanes: A combined multi-objective, multi-criteria and group decision-making approach. *Transport Policy*, 52, 186-196. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2016.08.006>
- Heider, B., & Siedentop, S. (2020). Employment suburbanization in the 21st century: A comparison of German and US city regions. *Cities*, 104, 102802. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102802>
- Israel, E. (2021). (Place habitus in the city and suburbs: The politics of middle-class education and the perspective of elite decisionmakers. *Cities*, 114, 103199. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103199>
- Janke, J. (2021). Re-visiting residential self-selection and dissonance: Does intra-household decision-making change the results? *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 148, 379-401. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tra.2021.03.018>
- Kos, K., Bujoczek, M., & Bujoczek, L. (2021). How do the features of individual gardens affect bird diversity in rural-suburban areas? *Urban Forestry & Urban Greening*, 58, 126962. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ufug.2020.126962>
- Kubeš, J., & Ouředníček, M. (2022). Functional types of suburban settlements around two differently sized Czech cities. *Cities*, 127, 103742. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103742>
- Leung, K. M., Choy, L. H. T., & Chau, K. W. (2022). Examining informal housing supply through rent gap analysis: An empirical study of sub-divided units in Hong Kong. *Cities*, 126, 103666. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103666>
- Liu, S.-T. (2020). Comparing the perspectives of municipal tourism departments and cultural departments on urban cultural-tourism development. *Journal of Destination Marketing & Management*, 16, 100432. doi:<https://doi.org/10.1016/j.jdmm.2020.100432>

- Lombard, M. (2014). Constructing ordinary places: Place-making in urban informal settlements in Mexico. *Progress in Planning*, 94, 1-53. doi:<https://doi.org/10.1016/j.progress.2013.05.003>
- Lou, T., Wang, W., Lu, Y., Xiao, J., & Xiao, X. (2020). An improved consumer decision model for rural residential development: A theoretical framework and empirical evidence from China. *Habitat International*, 105, 102266. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2020.102266>
- Marleau Donais, F., Abi-Zeid, I., Waygood, E. O. D., & Lavoie, R. (2019). Assessing and ranking the potential of a street to be redesigned as a Complete Street: A multi-criteria decision aiding approach. *Transportation Research Part A :Policy and Practice*, 124, 1-19. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tra.2019.02.006>
- Matamanda, A. R., & Chinozvina, Q. L. (2020). Driving Forces of Citizen Participation in Urban Development Practice in Harare, Zimbabwe. *Land Use Policy*, 99, 105090. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.105090>
- McArthur, J. (2017). Auckland: Rescaled governance and post-suburban politics. *Cities*, 64, 79-87. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.01.010>
- Michelangeli, A., & Türk, U. (2021). Cities as drivers of social mobility. *Cities*, 108, 102969. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102969>
- Mohamed, A. A., Ubarevičienė, R., & van Ham, M. (2022). Morphological evaluation and regeneration of informal settlements: An experience-based urban design approach. *Cities*, 12, 103798. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2022.103798>
- Padeiro, M. (2016). Conformance in land-use planning: The determinants of decision, conversion and transgression. *Land Use Policy*, 55, 285-299. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2016.04.014>
- Peiffer-Smadja, O., & Torre, A. (2018). Retail decentralization and land use regulation policies in suburban and rural communities: The case of the Île-de-France region. *Habitat International*, 72, 27-38. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2017.02.003>
- Puustinen, T., Pennanen, K., Falkenbach, H., & Viitanen, K. (2018). The distribution of perceived advantages and disadvantages of infill development among owners of a commonhold and its' implications. *Land Use Policy*, 75, 303-313. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.03.051>
- Rojo-Mendoza, F., Salinas-Silva, C., & Alvarado-Peterson, V. (2022). The end of indigenous territory? Projected counterurbanization in rural Protected Indigenous Areas in Temuco, Chile. *Geoforum*, 133, 66-78. doi:<https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2022.05.012>
- Sahoo, M., Gupta, M., & Srivastava, P. (2021). Does information and communication technology and financial development lead to environmental sustainability in India? An empirical insight. *Telematics and Informatics*, 60, 101598. doi:<https://doi.org/10.1016/j.tele.2021.101598>
- Sogabe, T., & Maki, N. (2022). Do disasters provide an opportunity for regional development and change the societal trend of impacted communities?: Case study on the 1995 Kobe earthquake. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 67, 102648. doi:<https://doi.org/10.1016/j.ijdrr.2021.102648>
- Tian, Y., Qian, J., & Wang, L. (2021). Village classification in metropolitan suburbs from the perspective of urban-rural integration and improvement strategies: A case study of Wuhan, central China. *Land Use Policy*, 111, 105748. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2021.105748>
- Torkayesh, A. E., & Torkayesh, S. E. (2021). Evaluation of information and communication technology development in G7 countries :An integrated MCDM approach. *Technology in Society*, 66, 101670. doi:<https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2021.101670>
- Willand, N., & Nethercote, M. (2020). Smoking in apartment buildings – Spatiality, meanings and understandings. *Health & Place*, 61, 102269. doi:<https://doi.org/10.1016/j.healthplace.2019.102269>
- Yang, X., Dong, X., & Yi, C. (2022). Informal housing clearance, housing market, and labor supply. *Labour Economics*, 102199. doi:<https://doi.org/10.1016/j.labeco.2022.102199>
- Zambon, I., & Salvati, L. (2019). Metropolitan growth, urban cycles and housing in a Mediterranean country, 1910s–2010s. *Cities*, 95, 102412. doi:<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102412>
- Zhao, P. (2016). Planning for social inclusion: The impact of socioeconomic inequities on the informal development of farmland in suburban Beijing. *Land Use Policy*, 57, 431-443. doi:<https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2016.06.010>
- Zheng, W., & Barker, A. (2021). Green infrastructure and urbanisation in suburban Beijing: An improved neighbourhood assessment framework. *Habitat International*, 117, 102423. doi:<https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2021.102423>

**The meaning of urban development among city managers and policy makers
(case study: Rasht metropolis)**

Milad Pourrajabi¹

Reserch fellow of National Reasearch Institute for Science Polic (NRISP); Ph.D. Candidate, Department of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Aliakbar Majdi²

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

Gholamrezahassani Darmian³

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Ahmadreza AsgharpourMasouleh⁴

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract: *The outskirts of the city, as a very complex and changing organization, have an ambiguous and unstable atmosphere. This situation is continuously monitored and monitored through urban management to put the surrounding cities in a balanced and stable situation. The research seeks to provide a phenomenological method from the lived experiences of city officials in order to understand the meaning of suburban development as an indicator to evaluate and monitor the performance of the urban situation. This was analyzed through MAXQDA 2020 software. Findings show that urban managers and policymakers tie the understanding of the meaning of development in the peripheral spaces of the city to the components of government-centered, sustainable-centered, collective-centered and commitment-centered; from the point of view of managers and policy makers, paying attention to the suburbs will lead to the elimination of marginalization in the suburbs through the mentioned components. Also, the rotation of intermediate components was identified and adjusted based on this research through a theoretical expansion of the structure of one-dimensional understanding of the environment. According to the research findings, it is suggested that participatory management for organizational environments and neighborhood-based urban renewal urban plans based on the role of the citizen be on the agenda.*

Key words: *Development, suburbs, managers and policy makers, phenomenology, Rasht.*

¹ E-mail: Milad.porrajabi@gmail.com

² E-mail: majdi@um.ac.ir (Corresponding Author)

³ E-mail: gh-hassani@um.ac.ir

⁴ E-mail: asgharpour@um.ac.ir